



# ناکامی آمریکا در عراق



سیدمحمد صدر الغروی  
sahbrotips@yafsoo.com

عملیاتش عراق است، اما در حقیقت بر سر چیزی بسیار فراتر از سرنوشت دولت یعنی بوده است. آمریکا با این جنگ می‌خواست باز تعریف دلخواه خود از کل جغرافیای خاورمیانه را تسهیل کند.

پس از سقوط شوروی، جهان از لحاظ نظامی نامتوازن شد و همین واقعیت باعث شد که نومحافظه‌کاران آمریکایی بتوانند سیاست جنگ‌طلبانه آمریکا را با صدای بلند اعلام کنند، اما سیاست توسعه‌طلبی آمریکا در هر گام با تناقضات بیشتری روبه‌رو می‌شود و نهایتاً محکوم به شکست است. قدرت نظامی آمریکا هر چه باشد، میزان توفیق یا ناکامی آمریکا در قبال رقبا را نه صرفاً برتری در عرصه نظامی، بلکه نهایتاً تناسب قوا در عرصه اقتصادی رقم خواهد زد.

ممکن است بتوان با تکنولوژی مدرن نظامی، کشورگشایی کرد، اما حفظ کشور اشغال شده صرفاً با اتکا به نیروی تکنولوژی مقدور نیست. برای این کار، همان طور که تاریخ نشان داده است، نه تنها شکل دادن به سیستم سیاسی و اقتصادی لازم است، بلکه در وهله اول باید امنیت را برقرار کرد و در این زمان از موشک‌های کروزر ناوگان مستقر در دریای سرخ کاری ساخته نیست. امپریالیسم تنها کشورگشایی نیست، بلکه بدل کردن کشورهای گشوده به منطقه نفوذ دولت غالب است. قدرت نظامی آمریکا، قطعاً توان شکست ارتش

آمریکا، پرداخت شود، اما رقم مشهور "یک میلیارد دلار در هفته" تنها هزینه‌ی نگهداری نیروهای نظامی آمریکایی حاضر در عراق است. با بودجه‌ای که جرج بوش از کنگره آمریکا گرفته است، اکنون برای هزینه نظامی آمریکا در عراق حدود ۱۵۰ میلیارد دلار بودجه اختصاص یافته است؛ یعنی چیزی در حدود سه میلیارد دلار در هفته. علاوه بر هزینه نظامی، هزینه بازسازی اقتصادی و اداری عراق نیز هیچ تناسبی با نقشه اولیه آمریکا ندارد. تخمین آمریکا این است که بازسازی عراق ظرف سه سال آینده ۱۰۰ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه دارد.

مرور کوتاهی بر همین ارقام معدود نشان می‌دهد که دولت آمریکا توان مالی ادامه اشغال عراق را ندارد. در حال حاضر کسری بودجه دولت آمریکا حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است؛ یعنی بزرگترین کسری بودجه دولت در تاریخ آمریکا و جهان در عین حال رکود اقتصاد آمریکا، نشانی از پایان گرفتن ندارد و سیاست‌های اقتصادی دولت بوش، افزایش درآمد ثروتمندترین اقشار جامعه را دنبال می‌کند. ناکامی سیاست آمریکا در عراق به این علت است که قدرت نظامی آمریکا به قدرت اقتصادی متناظر با آن متکی نیست. در جریان تدارک جنگ با عراق و با تلاش ناموفق فرانسه و آلمان و حتی روسیه و چین در سازمان ملل، برای همه روشن شد که این جنگ اگر چه جبهه

## دلایل تغییر سیاست آمریکا در عراق

**اول:** نظامی؛ از لحاظ نظامی آمریکا زیر فشار قرار دارد. گذشته از اینکه دولت بوش، نگران واکنش افکار عمومی آمریکا به میزان تلفات نظامی نیروهای خودی است و مستقل از معضل هزینه فزاینده اشغال نظامی، از لحاظ میزان نفرات ارتش نیز، آمریکا مشکل بتواند حتی تعداد کنونی سربازان را در عراق حفظ کند. چنانچه آمریکا بخواهد تنها با نیروی نظامی خود، عراق را در اشغال نگهدارد، نهایتاً باید خدمت نظام وظیفه عمومی را مجدداً برقرار کند؛ امری که هم هزینه گزافی دارد و هم از زاویه افکار عمومی مقبولیتی ندارد.

**دوم:** مالی است. هزینه جنگ و اشغال عراق هیچ تناسبی با بودجه پیش‌بینی شده ندارد. مطابق نقشه اولیه، هزینه نظامی آمریکا در عراق قرار بود به مخارج دوره عملیات جنگی محدود باشد و پس از اتمام جنگ، برقراری "امنیت" به عهده پلیس عراق و ارتش عراق گذاشته شود؛ اما عملاً چنین نشد و آمریکا ناگزیر شد نیروهای مسلح عراق را تماماً منحل کند و برقراری امنیت به ارتش آمریکا محول شد. همچنین قرار بود امنیت لوله‌های صادرات نفت توسط ۶۰۰۰ نگهبان خصوصی انجام گیرد و تامین این نگهبانان به عهده شرکت‌های خصوصی آمریکایی باشد و مهم‌تر از همه، قرار بود مخارج همه‌ی این کارها از محل درآمد عراق و نه از بودجه

کشورهایی مثل عراق را دارد، اما نمی‌تواند عراق اشغال شده را به راحتی ضمیمه مناطق نفوذ خود کند. آمریکا نه تنها توان برقراری یک امپراتوری جهانی را ندارد، بلکه حتی توان آرام‌سازی و اداره افغانستان و عراق را نیز ندارد. پیش شرط بدل کردن عراق به منطقه نفوذ آمریکا، توان شکل دادن به یک رژیم سیاسی و اقتصادی است. راه‌اندازی اقتصاد عراق، گذشته از اینکه خود در گرو درجه‌ای از ثبات سیاسی است، بیش از هر چیز به پول احتیاج دارد. بنا به اعتقاد طراحان سیاست آمریکا به قدرت بازار آزاد، خصوصی کردن اقتصاد عراق تنها پیش شرط لازم برای کارکرد رشد اقتصادی عراق شمرده شد. مبتنی کردن بازسازی اقتصاد عراق بر این اصل نولیبرالی، تنها گویای یک باور بنیادگرایانه نزد طراحان سیاست خارجی آمریکاست. باور دولت بوش به بازار آزاد، کارکردی جز پوشاندن توان ناکافی اقتصادی آمریکا نداشته است.

محافظه‌کاری جدید بدل کردن کشورهای فتح شده به حوزه عملکرد سرمایه‌های خودی است. محافظه‌کاری جدید آمریکا می‌تواند در عراق به شرکت‌هایی مانند "هالیبرت" قراردادهای پرسود عرضه کند، اما حفظ عراق به عنوان حوزه انحصاری عملکرد سرمایه‌های آمریکایی، از توان اقتصادی دولت آمریکا بیرون است. اکنون می‌بینیم که دولت آمریکا ناگزیر است تا برای شکل دادن به یک سیستم اقتصادی پایدار در عراق، ابتدا از دولت‌های رقیب برای سرمایه‌گذاری دعوت به عمل آورد.

علت ناکامی سیاست آمریکا در عراق تناقضات ساختاری محافظه‌کاری جدید بوده است و نه فشار جنبش جهانی ضد جنگ. در این شکی نیست که فشار افکار عمومی مخالف جنگ دشواری‌هایی برای پیشبرد سیاست دولت بوش در عراق آفرید، اما اگر آمریکا به این تناقضات درونی مبتلا نبود، در برابر این میزان از فشار افکار عمومی، همچنان تاب ایستادگی داشت.

تقسیم جهان به مناطق نفوذ قدرت‌های بزرگ، که در پی پایان جنگ سرد ضرورت یافته بود، با واقعه ۱۱ سپتامبر در دستور قرار گرفت. با تصمیم یک‌جانبه آمریکا برای حمله به عراق، مسابقه تقسیم جهان به مناطق نفوذ میان قدرت‌های بزرگ به طور رسمی آغاز شد و دولت بوش در پی آن برآمد تا با تکیه بر قدرت نظامی، جغرافیای توسعه‌طلبی جهان را به سود آمریکا ترسیم کند. همچنین دولت‌های بزرگ رقیب آمریکا، در موقعیتی نیستند که ناکامی آمریکا در عراق را به فرصتی برای پایان دادن به تقسیم جهان به مناطق نفوذ براساس توازن قوای واقعی تبدیل کنند، تا آن جا که دولت چین با داشتن حق و تو در شورای امنیت و پتانسیل اقتصادی، به

تجارت با آمریکا بیش از آن وابسته است که توان چالش جدی سیاست جهانی آمریکا را داشته باشد و با کسب کمترین امتیاز، مثلاً با صرف نظر کردن آمریکا از اعمال فشار برای افزایش نرخ ارز چین نسبت به دلار، مانعی بر سر راه آمریکا نخواهد گذاشت. روسیه نیز امروز تنها سایه‌ای از ابرقدرت شوروی است و اگر چه از لحاظ نظامی جزو قدرت‌های بزرگ است، اما وضعیت اقتصاد روسیه، بخصوص نیاز او به قرضه‌های صندوق بین‌المللی پول باعث می‌شود تا قدرت رقابت مستقیم با آمریکا را نداشته

دولت بوش در میان قدرت‌های بزرگ است. منافع اقتصادی فرانسه در عراق روشن است: فرانسه نیز مانند روسیه یکی از عمده‌ترین طرف‌های تجاری عراق به شمار می‌رفت و برای سرمایه‌گذاری صنعتی از جمله در نفت قراردادهای متعددی با دولت بعثی عراق داشت. اشغال عراق توسط آمریکا، همه‌ی این منافع اقتصادی را در مخاطره قرار داد. گذشته از منافع اقتصادی در عراق، فرانسه عموماً با خاورمیانه و شمال آفریقا پیوندهای سیاسی-تاریخی عمیقی دارد و بخصوص پس از جنگ



باشد. دولت روسیه نیز با گرفتن امتیازات ناچیزی حاضر خواهد شد از ترتیبات مورد نظر آمریکا در عراق حمایت کند؛ همان طور که در مورد لشکرکشی آمریکا به افغانستان چنین کرد. امتیازاتی که روسیه در عراق به آنها رضایت خواهد داد. روشن است یکی از نخستین اقدامات آمریکا پس از فتح عراق این بود که قراردادهای سرمایه‌گذاری دولت روسیه و فرانسه را با دولت عراق به ویژه در صنعت نفت، به حالت تعلیق درآورد و از لغو آنها صحبت کند. به همین روال دولت آمریکا تهدید کرده بود که بدهی عراق به دولت‌های اروپایی و از جمله دهها میلیارد دلار بدهی به روسیه را با این عنوان که وام به یک دیکتاتور بوده، ملغی خواهد کرد. برای روسیه همین کافی است که آمریکا از این تعرض آشکار به منافع اقتصادی او در عراق دست بردارد.

همان طور که پروسه تدارک جنگ با عراق نشان داد، دولت فرانسه سرسخت‌ترین مخالف سیاست خارجی

سرد، برای افزایش نفوذ خود در این منطقه کوشیده است و پیشروی‌های چشمگیری داشته است. مقابله فرانسه با سیاست آمریکا در عراق یک مقابله کلاسیک بر سر مناطق نفوذ است.

مشخصه این مرحله بر سر تقسیم جهان به مناطق نفوذ چنین است: از یک سو تناقضات ساختاری آمریکا و عدم تناسب قدرت‌های نظامی و اقتصادی بر سیاست هژمونی طلبانه آمریکا با تکیه‌ی صرف به نیروی نظامی، محدودیت‌های جدی اعمال می‌کند؛ از سوی دیگر دولت‌های بزرگ هنوز در موقعیتی نیستند که تقسیم جهان به مناطق نفوذ را بر مبنای توان واقعی قدرت اقتصادی عملی کنند.

در چنین وضعیتی، دولت بوش طبعاً تلاش خواهد کرد تا ناکامی در عراق صرفاً به دادن امتیازاتی به رقبای خود عراق در مقابل کمک‌های مالی و نظامی آنها محدود بماند و تلاش خواهد کرد تا شکل دادن به یک نظم



به سود آینده مردم عراق است، توهمی بیش نیست. قطعنامه سازمان ملل که نیروهای اشغالگر را تحت فرماندهی سازمان ملل قرار دهد. کوچکترین تغییری در این واقعیت نمی‌دهد که عراق همچنان تحت اشغال خواهد ماند و اقتصاد عراق غنیمتی برای سهم‌بری جهان‌گشایان خواهد شد و رقابت‌های توسعه‌طلبانه، شیرازه جامعه عراق را بیش از پیش از هم خواهد گسست. با بین‌المللی شدن اشغال عراق این کشور به صحنه رقابت قدرت‌ها تبدیل خواهد شد. اما موضوع این رقابت‌ها به خود عراق محدود نیست و هر تحول جهانی و هر معامله قدرت‌های بزرگ، بر توازن قوا در عراق تاثیر خواهد گذاشت. همه‌ی اینها عنصر بی‌ثباتی جدیدی به صحنه عراق خواهند افزود. رقابت‌های قدرت‌های بزرگ، شکل‌گیری نهادهای اقتصادی و سیاسی در عراق را نه تنها تسهیل نمی‌کند، بلکه همه‌ی مشکلاتی که آمریکا برای راه‌اندازی اقتصادی و سیاسی عراق با آنها روبه‌رو بود، با ورود دیگر قدرت‌های بزرگ به عراق تشدید خواهد شد.

وعده‌های دموکراتیک به عراق نه تنها از سوی آمریکا فراموش شده است و دولت‌های رقیب اکنون هیچگونه قید و شرط دموکراتیکی را پیش شرط همکاری‌شان با آمریکا در عراق قرار نمی‌دهند، بلکه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران غربی که مرتب از اوضاع عراق گزارش‌های تلخ و انتقادی تهیه می‌کنند نیز تنها دلمشغولی‌شان مساله "امنیت و آرامش" شده است. سرنوشت وعده‌های رفاهی بتر از وعده‌های دموکراتیک است؛ قرار بود با تغییر رژیم، تحریم اقتصادی پایان یابد و به مرگ دست کم صد کودک در روز خاتمه دهد، ولی امروز میزان مرگ و میر کودکان در عراق بیش از زمان تحریم‌های اقتصادی است.

دلیل اصلی آمریکا برای بین‌المللی کردن اشغال عراق این است که خود، توان استقرار نیروی نظامی بیشتر در عراق را ندارد. گویا اعزام نیرو از سوی دیگر کشورها، آرامش و امنیت را تامین خواهد کرد. در حالی که آمریکا در عراق زیر فشار قرار دارد. چنانچه ارتش آمریکا بهای روزانه "آرام‌سازی" را نپردازد، طولانی کردن این فاز برای آمریکا معضلی ثانوی است و به هر حال بر وضعیت کنونی برتری دارد، اما برای دیگر دولت‌های بزرگ این گونه نیست.

حضور قدرت‌های بزرگ جهانی در عراق، گامی در راستای رفع اشغال عراق و آزادی و استقلال آن نیست،

بین‌المللی که آمریکا و سرمایه آمریکایی در آن سهم داشته باشند را همچنان از طریق اتکا به قدرت نظامی آمریکا آزمایش کند. بخش‌هایی از سرمایه‌های آمریکایی و جناح‌های در هیات حاکمه آمریکا نیز، آینده‌ی خود را تنها در صورت پیروزی چنین تلاش‌هایی روشن می‌بینند و بنابراین از این سیاست دولت بوش قاطعانه پشتیبانی می‌کنند. در مقابل، حد نهایی توفیق قدرت‌های رقیب آمریکا در این مرحله، تنها می‌تواند مهار دولت بوش باشد. در این مرحله کافی است تا آمریکا دست از یکجانبه‌گرایی بردارد. امتیازاتی را که در مناطق مختلف جهان خواستار آن است در میان قدرت‌های بزرگ به بحث بگذارد و با جلب رضایت آنها، یعنی با دادن امتیازاتی در مناطق دیگری از جهان، اهداف خود را دنبال کند. از این رو، دولت‌های بزرگ رقیب آمریکا، در مقابل سیاست هژمونی طلبانه دولت بوش بر نقش سازمان ملل و سایر نهادهای جهانی برای شکل دادن به نظامی بین‌المللی تاکید می‌کنند. حتی دولت بریتانیا نیز از نظر اصولی این آلت‌رناتیو را تایید می‌کند. فایده‌های چنین آلت‌رناتیوی برای اروپایی که فاقد قدرت رقابت نظامی است و تنها از یک قدرت نرم برخوردار است روشن است، چنین ترتیبی نه تنها بر منافع رقبای آمریکا منطبق است، بلکه حتی بخش‌هایی از سرمایه آمریکا و بسیاری از کمپانی‌های بزرگ آمریکایی نیز از چنین شیوه‌ای در تقسیم جهان، نفع خواهند برد. مخالفت‌های چهره‌های برجسته‌ی سیاسی آمریکا با دولت بوش، بازتاب همین واقعیت است. به این ترتیب روشن است که ناکامی سیاست آمریکا در عراق در لحظه‌ی کنونی، امتیازی به سود قدرت‌های رقیب به شمار می‌رود، اما این به خودی خود نه تخفیفی در تهدید جنگ‌افروزی آمریکا ایجاد می‌کند و نه نقشه‌های توسعه‌طلبانه برای سلطه بر مناطق مختلف جهان را تضعیف می‌کند. حد یکجانبه‌گرایی نظامی دولت بوش را در آینده‌ی نزدیک تنها تناقضات درونی آمریکا رقم خواهد زد و نه فشار قدرت‌های بزرگ دیگر. حتی آنگاه که دشواری‌های نظامی و مشکلات مالی آمریکا، مانعی بر پیشبرد سیاست دولت بوش شوند مانند لحظه کنونی در عراق، پیروسی تقسیم جهان به پروسه‌ی چانه‌زنی قدرت‌های بزرگ، چه در پشت پرده و چه در تریبون‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل، سپرده می‌شود.

بدیهی است که ناکامی سیاست آمریکا در عراق بیش از هر جا بر خود عراق تاثیر می‌گذارد. نخستین پیامد عقب‌نشینی محدود آمریکا در عراق این است که بلافاصله عراق را عرصه‌ی مستقیم رقابت‌های توسعه‌طلبانه می‌کند. اینکه بین‌المللی شدن اشغال عراق

بلکه این کشور را به میدان رقابت‌های توسعه‌طلبانه بدل خواهد کرد. همان طور که آلمان در فردای جنگ دوم جهانی رسماً به مناطق تحت کنترل ارتش‌های دولت مختلف متفقین تقسیم شده این احتمال وجود دارد که عراق نیز با بین‌المللی شدن اشغال، به همان سرنوشت دچار شود. اما محتمل‌تر به نظر می‌رسد که این جغرافیای عراق نباشد که به مناطق کنترل دولت‌ها تقسیم خواهد شد، بلکه این نیروهای سیاسی بازیگر در صحنه امروز عراق باشند که تحت کنترل قدرت‌های توسعه‌طلب مختلف قرار می‌گیرند و شاید هر از گاهی نیز موفق شوند ارباب خود را عوض کنند؛ یا خدمات خود را به هر مشتری که قیمت بیشتری بپردازد عرضه کنند.